



10.30497/IFR.2021.239399.1552

*Bi-quarterly Scientific Journal of Islamic Finance Researches, Research Article,
Vol. 10, No. 1 (Serial 19), Autumn 2020 & Winter 2021*

Principles and Rules Governing the Islamic Financial Institution

Seyyed Sadegh Tabatabaei Nejad⁻

Received: 10/09/2020

Gholam Ali Masuminia⁻

Accepted: 22/04/2021

Seyyed Abdol Hamid Sabet⁻

Abstract


Financial institutions today have a tremendous impact on the economy by providing a variety of services, and innovative activities have found a special place in the financial system. The systematic legislation and networks of The Seal of Religions, i.e. Islam, make us believe that the needs and requirements of the present age, along with the cure of the pains and problems of the modern world, can be achieved in the light of adherence to divine commands.

In this article, which is exploratory in purpose and descriptive-analytical in substance, a qualitative methodology and Delphi technique have been used to analyze the data and achieve elite consensus. This study expresses the principles and rules governing the activities of the financial institution at the level of the Islamic society so that by observing rules such as paying attention to spiritual values, supporting the creation of real added value, prohibiting the circulation of wealth in the hands of a particular group, creating benefits for all members of society and protecting social capitals, we could accelerate the movement towards the ultimate Islamic civilization. The financial institution at the level of the Islamic system must adhere to certain rules and criteria so that it could be adorned with an Islamic character. Therefore, it is suggested that in designing the Islamic financial system, while observing the rules that govern tools and Islamizing them, markets and institutions be redefined within religious principles and regulations and replace the versions that have a mere Islamic appearance.

Keywords

Financial Institutionalization; Wealth Generation; Real Value Added Creation; Credit & Real Sector Balance; Legal Income.

JEL Classification: A12, G47, G63, G00, G41.

⁻ Ph.D. in Money Economics, Adalat University, Tehran, Iran (Corresponding Author).
s.s.tabaei@gmail.com  0000-0002-9349-2176

⁻ Associate Professor of Economics and Islamic Banking, Faculty of Economics, Kharazmi University, Tehran, Iran. masuminia@khu.ac.ir  0000-0002-8544-6524

⁻ Assistant Professor, Adalat University, Tehran, Iran. sah_sabet@yahoo.com



10.30497/IFR.2021.239399.1552

دو فصلنامه علمی «تحقیقات مالی اسلامی»، مقاله پژوهشی، سال دهم، شماره اول (پیاپی ۱۹)، پاییز و زمستان ۱۳۹۹، صص. ۲۳۵-۲۶۸

اصول و ضوابط حاکم بر نهاد مالی اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۲
مقاله برای اصلاح به مدت ۲۳ روز نزد نویسنده (گان) بوده است.

سیدصادق طباطبائی نژاد*
غلامعلی معصومی نیا**
سیدعبدالحمید ثابت

چکیده

نهادهای مالی امروزه با ارائه خدمات گوناگون، تأثیری شگرفی بر اقتصاد داشته و فعالیت‌های نوآورانه در نظام مالی جایگاه ویژه یافته است. تشریح نظام‌مند و شبکه‌ای دین خاتم، ما را بر این باور استوار می‌سازد که نیازها و احتیاجات عصر حاضر در کنار علاج دردها و معضلات جهان مدرن در پرتوی تمسک به دستورات الهی قابل دستیابی است. نگرش اساسی نظام اقتصادی اسلام مبتنی بر این اصل است که در اقتصاد باید رعایت حال همه افراد جامعه بشود، نه اینکه عده‌ای با سوء استفاده از اموال مردم ثروت‌اندوزی نمایند.

در این مقاله که براساس هدف، اکتشافی و از نظر ماهوی، توصیفی-تحلیلی است، از روش‌شناسی کیفی و تکنیک دلفی به جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها و رسیدن به اتفاق نخبگانی استفاده شده است. این پژوهش به بیان اصول و ضوابط حاکم بر فعالیت‌های نهاد مالی تراز جامعه اسلامی می‌پردازد تا در پرتو رعایت قواعدی همچون توجه به ارزش‌های معنوی، حمایت از خلق ارزش افزوده واقعی، عدم گردش ثروت در دست گروهی خاص، ایجاد منفعت برای تمامی افراد جامعه و صیانت از سرمایه‌های جامعه حرکت به سوی تمدن اسلامی تسریع گردد. نهاد مالی تراز نظام اسلامی باید پایبند به ضوابط و معیارهای باشد تا بتواند مزین به وصف اسلامی گردد، از این رو پیشنهاد می‌شود در طراحی نظام مالی اسلامی ضمن رعایت ضوابط حاکم بر ابزارها و اسلامی نمودن آنها، بازارها و نهادهای متکفل ساماندهی آنها در چارچوب اصول و قواعد دینی باز تعریف شوند تا در پرتوی آن نظام مالی برآمده از شریعت جایگزین نسخه‌های با پوسته ظاهری اسلامی گردد.

واژگان کلیدی

نهادسازی مالی؛ تولید ثروت؛ خلق ارزش افزوده واقعی؛ توازن بخش اعتباری و واقعی؛ کسب قانونی درآمد. طبقه‌بندی GEL: A12, G47, G63, G00, G41.

* دانش‌آموخته دکتری اقتصاد پولی، دانشگاه عدالت، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

s.s.tabaei@gmail.com

0000-0002-9349-2176

** دانشیار گروه اقتصاد و بانکداری اسلامی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

masuminia@khu.ac.ir

0000-0002-8544-6524

sah_sabet@yahoo.com

استادیار دانشگاه عدالت، تهران، ایران

مقدمه

اسلام فرهنگ، آیین و رسالتی برای زندگی است که برای تمام ابعاد زندگی انسان برنامه و دستورالعمل دارد و هر بخشی از نظام اسلام که اجرا شود آثار خود را به ارمغان خواهد آورد، گرچه این آثار آنگاه کامل خواهد شد که بقیه بخش‌های نظام اسلامی نیز پدید آید (صدر، ۱۳۸۶، ص. ۷). اقتصاد و چگونگی تدبیر معاش جایگاهی ویژه از منظر اسلام دارد، از این رو ضوابط و اصولی را در قالب احکام الزامی و غیرالزامی به منظور اصلاح رفتارهای اقتصادی جامعه وضع نموده است تا در پرتوی عمل به آنها زمینه تحول در اندیشه اقتصادی ایجاد گردد. شریعت درباره اموال برنامه‌ریزی می‌کند و با عوامل پدید آورنده فقر به نبرد بر می‌خیزد و مردمان را می‌انگیزد تا به احقاق حقوق مالی خویش بپردازند و طاغوت اقتصادی و اقتصاد طاغوتی را سرنگون سازند (حکیمی، ۱۳۸۵، ج ۵، صص. ۱۲۸-۱۳۴). طراحی و برنامه‌ریزی اسلام به گونه‌ای است که از ابتدا مانع بروز معضلات و مشکلات اقتصادی شود (صدر، ۱۴۲۵، ص. ۱۲۷). بر این اساس می‌توان ادعا نمود در اقتصاد اقتباس شده از وحی، دفع و پیشگیری مقدم بر رفع و درمان است.

تأثیر نگرش مذهبی و اخلاق بر رفتارهای انسان آنقدر گسترده است که می‌تواند اقتصادی متفاوت به وجود آورد. وبر^۱ به اهمیت اخلاق و مذهب در شکل‌گیری نظام اقتصادی اشاره می‌کند و علت اصلی رشد و پیشرفت غرب را وجود اخلاق پروتستان مبتنی بر روحیه تلاش و سخت کوشی در کنار روحیه سرمایه‌داری می‌داند (نجارزاده، ۱۳۸۷، صص. ۱۰-۱۴).

نظام اقتصادی اسلام مجموعه‌ای از رفتارها و روابط اقتصادی است که هم از حیث اصول راهبردی و هم از جنبه مبانی نظری و اخلاقی برگرفته از کتاب و سنت بوده و اهداف الهی را دنبال می‌کند و ایجاد و شکل‌گیری آن نیازمند شناخت و استخراج اصول، شاخصه‌ها و معیارهای حاکم بر آن از کتاب و سنت است. در این فرایند به مجموعه قوانین الزامی و غیرالزامی در کنار اصول مکتبی و توصیه‌های اخلاقی به صورت نظام‌مند نگاه می‌شود تا بتوان واقع غیرمطلوب را وضعیت مطلوب مدنظر شارع تغییر داد.

چگونگی پیوند بین صاحبان وجوه مازاد و درخواست‌کنندگان وجوه، ایده ایجاد ساختاری برای برقراری ارتباط بین عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان را تقویت می‌نماید. مراد ما از نهاد الگوهای پیوند دهنده رفتاری مانند مشارکت، قرض‌الحسنه، وقف و بیع نیست، بلکه ساختار و چارچوبی برای انعقاد قراردادها و واسطه‌ای برای تبادل ابزارهای مالی است و با ایجاد کانال‌هایی ضمن تسهیل نقل و انتقال وجوه حرکت سرمایه به سمت متقاضیان را مدیریت می‌نماید. نهادهای مالی در ادبیات مالی متعارف براساس اهداف یا وظیفه پوشش خطرات و جبران خسارات را برعهده دارند، مانند بیمه، یا به‌منظور پوشش ریسک معاملات در بازارهای مالی ایجاد می‌گردند، مانند بازار مشتقات و یا به هدف تجهیز منابع و هدایت پس‌اندازها به سمت سرمایه‌گذاری مولد و مشارکت ظرفیت‌های خرد جامعه شکل می‌گیرند، مانند بانک و بورس

نهادهای باید به گونه‌ای طراحی شوند که زمینه انتقال به وضعیت مطلوب را فراهم نمایند نه اینکه مانع تحقق اهداف شوند، به‌عنوان مثال نهاد بازار پول باید در خدمت تولید و خلق ثروت برای عموم جامعه باشد و با تجمیع پس‌اندازها تأمین مالی طرح‌های مفید را براساس عقود اسلامی محقق سازد و با تبدیل پول به سرمایه درآمدی حلال و طیب برای صاحبان مازاد وجوه ایجاد نماید.

تجربه نشان داده است که رفع موانع فقهی در فعالیت بانک‌ها به تنهایی نتوانسته اهداف شریعت را تأمین نماید و به‌کار گرفتن نظام بانکی سرمایه‌داری بدون اعمال تغییرات اساسی، موجبات انحراف از اهداف نظام اسلامی را فراهم می‌آورد، چراکه در سطح کلان نظام بانکی برای دستیابی به اهداف نظام سرمایه‌داری تنظیم شده است (صالحی و توکلی، ۱۳۹۴، ص. ۱۰۴).

برای رسیدن به وضع مطلوب از منظر شریعت و یا اصلاح وضع موجود شناخت شاخصه‌های نهاد مالی اسلامی اعم از بانک، بورس و بیمه ضروری است. ما در این مقاله به منظور یافتن حدود و ثغور نهاد مالی اسلامی، به دنبال کشف مهم‌ترین اصول و قواعدی هستیم که بر مبنای آنها اسلامی یا غیر اسلامی بودن نهادهای مالی قابل ارزیابی باشد.

این مقاله با این نگاه که صرف اسلامی بودن ابزارهای مالی بدون پایبندی به

یکسری از اصول و قواعد سبب اسلامی بودن نهاد مالی نمی‌گردد به دنبال ایجاد گفتمانی جدید به منظور حرکت به سمت تمدن اسلامی است و با بیان ویژگی‌های نهاد مالی اسلامی جهت‌دهی فعالیت‌های انتفاعی آنها را به سمت اهداف شریعت دنبال می‌کند، از این رو با یاری گرفتن از نخبگان حوزوی و تحقیقات صورت گرفته در تبیین نظام اقتصادی اسلام با نگاهی جامع به ارزش‌های اسلامی در قالب اصول و فروع دین در صدد کشف و استخراج برخی از مهم‌ترین شاخصه‌ها و معیارهای حاکم بر نهاد مالی تراز جامعه اسلامی است. از این رو در ابتدا با توجه به منابع فقه داده‌ها به روش کتابخانه‌ای با رویکردی توصیفی-تحلیلی جمع‌آوری شد و سپس با کمک گرفتن از روش دلفی که فرایندی ساختارمند جهت گردآوری اطلاعات در طی مرحله‌های متوالی و در نهایت اجماع گروهی است داده‌های جمع‌آوری شده پالایش گردید^۲ و براساس نقطه نظرات برخی از اندیشمندان حوزه اقتصاد اسلامی، ضوابط و قواعد عامه حاکم برای ایجاد و توسعه نهادهای مالی از مجموعه احکام الزامی و غیرالزامی استخراج گردید.

۱. پیشینه تحقیق

اصول و معیارهای حاکم بر نظام اقتصادی اسلام، اهداف اقتصادی حکومت اسلامی و ضوابط ابزارسازی از منظر شریعت مورد توجه صاحب نظران قرار گرفته شده است و به اصول و قواعد نهادسازی به عنوان زیر مجموعه نظام اقتصادی کمتر مورد توجه قرار گرفته است و در اغلب پژوهش‌های به معرفی نظام اقتصادی اسلام و اهداف و مبانی آن و همچنین معرفی و توسعه ابزارهای مالی منطبق با فقه به منظور ربازدایی از روابط مالی توجه شده است و تحقیق پیرامون نهادها و بسترهای فعالیت ابزارها مغفول مانده است.

صدر (۱۴۲۵ق) در کتابی با عنوان «البنک اللاربوی»، بیان دارد در طراحی نهاد پولی برای جامعه اسلامی نباید صرفاً به حل تناقض میان بانک متعارف با احکام شریعت و فقه اسلامی اکتفا نمود، بلکه باید ماهیت نهادی و فلسفی مکتب اقتصادی اسلام مورد توجه قرار گیرد.

موسویان و توحیدی (۱۳۹۹) در مقاله با عنوان «طراحی بازار سرمایه اسلامی در چهارچوب نظام اقتصادی اسلام (ماهیت، عناصر، روش کشف و طراحی)»، بیان دارند بازار سرمایه اسلامی بر پایه عناصر ثابت نظام اقتصادی اسلام بنیان نهاده می‌شود که به روش اجتهادی از منابع استنباط کشف می‌شوند و دیدگاه اسلام در این موارد تأسیسی است اما قوانین و مقررات، قراردادهای، ابزارها و سازمان‌ها و نهادها از تجربه و دانش بشری به دست می‌آیند و موضع شریعت در این عناصر امضائی است به این بیان که از میان یافته‌های دانش و تجربه بشری تنها آن عناصری انتخاب می‌شوند که سازگار با عناصر ثابت نظام اقتصادی اسلام باشند یا با انجام اصلاحاتی بتوان سازگار کرد.

عیوضلو و کریمی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «اصول موضوعه و راهبردهای بانکداری اسلامی در چهارچوب نظام اقتصادی اسلام»، با نگاه سیستمی به نظام بانکداری اسلامی به عنوان یک زیرسیستم در ساختار اقتصاد اسلامی معتقدند سه رکن حق، عدل و قوام مبنای نظام‌سازی و تنظیم روابط در نظام بانکداری اسلامی است.

صادقی و محسنی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «بایسته‌های نظام مالی اسلامی در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت»، بیان دارد به‌طور کلی نهادهای مالی اسلامی بایستی فراهم‌کننده زمینه‌های لازم برای تحقق عدالت، امنیت و استقلال اقتصادی باشند و جامعه را در جهت حرکت به سمت آبادانی پشتیبانی نمایند. نحوه تعامل نهادهای مالی با اشخاص جامعه باید مبتنی بر الگوی رفتاری متعالی اسلامی باشد تا ضمن جذب حداکثری منابع در بخش‌های مولد از طریق تعاون عمومی، روحیه مسئولیت‌گرایی اسلامی - ایرانی را ترویج نموده و تحقق بخش اهداف عالی نظام در بخش‌های مختلف باشد.

یوسفی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «اهداف اقتصادی حکومت اسلامی»، بیان دارد در مقام کشف و رتبه‌بندی اهداف اقتصادی حکومت اسلامی، با استفاده از ادله نقلی و عقلی، این اهداف به سه رتبه عالی (رفاه عمومی)، میانی (عدالت، امنیت و رشد اقتصادی) و مقدماتی (اشتغال کامل و تثبیت سطح عمومی قیمت‌ها) تقسیم می‌شود.

در صورتی که در تحقق اهداف، تزاممی بین رفاه عمومی و سایر اهداف اتفاق بیفتد، هدف عالی، مقدم است و همچنین در صورتی که بین سایر اهداف، تزاممی پیش آید، پی‌گیری هر هدفی که ما را به هدف عالی نزدیکتر کند، ترجیح دارد.

صالحی و توکلی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل سیستمی نظام بانکی اسلامی»، به تحلیل سیستمی بانک به‌عنوان نهادی مالی پرداخته‌اند و معتقدند نگاه سیستمی به نظام بانکی اسلامی، موجب ترسیم وظایفی برای بانک‌ها در تحقق رشد، عدالت و امنیت اقتصادی است. از جمله این وظایف، تأمین مالی بخش حقیقی اقتصاد، اولویت در تأمین مالی کالاهای اساسی، تأمین مالی پروژه‌های ارائه شده توسط اقشار ضعیف جامعه، اولویت دادن در تأمین مالی طرح‌های اقتصادی نیازمند به سرمایه در گردش، و نبود رانت در استفاده از تسهیلات بانکی است.

میرمعزی (۱۳۷۷) در مقاله‌ای با عنوان «ترسیم نظام اقتصادی اسلام براساس مکتب اقتصادی آن از دیدگاه امام خمینی (ره)»، بین دارد با اعتقاد به وجود نظام اقتصادی خاص در اسلام، عدم حرمت در پذیرش هر نوع فعالیت یا نهاد اقتصادی کافی نیست، بلکه نهاد باید دارای جایگاه مشخص و تعریف شده‌ای در نظام باشد و با مبانی مکتبی سازگار و در راستای اهداف اقتصادی قرار گیرد. به‌عنوان مثال ربازدایی از بانک سبب نمی‌شود این نهاد جایگاهی در چارچوب نظام اقتصادی اسلام داشته باشد.

در این مقاله شاخصه‌ها نهاد مالی مطلوب از منظر شریعت با استفاده از مجموعه احکام الزامی و غیرالزامی براساس اتفاق‌نخبگانی با رویکرد اکتشافی و منطبق با شبکه تشریح معرفی می‌گردد.

۲. اصول و معیارهای نهادسازی در نظام اقتصادی اسلام

دین اسلام بر پایه بهره‌گیری از فکر، اندیشه و خردورزی بنا شده است و از منظر قرآن کریم، معیار اصلی در استخراج و بهره‌برداری از منابع و اداره اموال بهره‌برداری عاقلانه در پرتوی حکمت است. چنانچه در سوره نساء خطاب به عموم مردم می‌فرماید: و اموال خود را- که خداوند وسیله قوام زندگی شما قرار داده است- به سفیهان ندهید و از درآمد آن خوراکشان دهید و آنان را بپوشانید، و با آنان سخنی پسندیده بگویید

(نساء: ۵). علامه طباطبایی معتقد است این آیه بر حکم عمومی که متوجه جامعه اسلامی است دلالت دارد و آن حکم این است که جامعه برای خود شخصیتی واحد دارد که این شخصیت واحده مالک تمامی اموال روی زمین است و خدای تعالی زندگی این شخصیت واحده را به وسیله این اموال تأمین کرده و آن را رزق وی ساخته است، پس بر این شخصیت لازم است که امر آن مال را اداره نموده و ضمن حفظ آن از ضایع شدن و فساد اموال را در معرض رشد و ترقی قرار دهد و کاری کند که روزبه‌روز زیادتر شود تا به همه و تک‌تک افراد وافی باشد. یکی از فروع این اصل این است که اولیا و سرپرستان جوامع بشری باید امور افراد سفیه را خود به‌دست بگیرند و اموال آنان را به‌دست خودشان ندهند که آن را در غیر موردش مصرف کنند، بلکه با در جریان انداختن آن در کسب و تجارت و هر وسیله بهره‌وری دیگر، بیشترش کنند، و خود صاحبان مال را که دچار سفاقتند از منافع و درآمد مال (و نه از اصل مال) حقوق روزمره بدهند تا در نتیجه اصل مال از بین نرود و کار صاحب مال به تدریج به مسکنت و تهی‌دستی و بدبختی نیانجامد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص. ۱۷۱).

بر این اساس فرد یا نهادی حق ندارد سرمایه‌های مادی و معنوی بیهوده مصرف نماید بلکه باید براساس تعهد و تخصص در مسیر صلاح و فلاح هزینه گردد، چراکه نابودی اموال می‌تواند فنا و نابودی تمدنی را سبب گردد در بیانی از امام صادق علیه‌السلام قرارگرفتن مال در دست کسانی که حق مال را نمی‌دانند و آن را در کارهای نیک و معروف به مصرف نمی‌رسانند، از علل فنا و نابودی اسلام شمرده شده است (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص. ۲۸۵).

با نظر به اینکه نهاد جزئی از نظام مالی است و نظام مالی زیرمجموعه نظام اقتصادی دانسته می‌شود و از سوی دیگر نظام اقتصادی بخشی از کل نظام حاکم بر جامعه قلمداد می‌شود و به‌عنوان یک زیرنظام اهداف کلی نظام جامع را که برگرفته از مکتب و جهان‌بینی است دنبال می‌نماید، لذا باید در مسیر تحقق اهداف کلی گام بردارد و در صورتی که نظام اقتصادی با کل نظام هماهنگ نباشد به‌طور قطع نظام کلی اسلامی تحقق نخواهد یافت (عزتی، ۱۳۸۳، صص. ۹۱-۱۰۵).

لازم به ذکر است نهادهای مالی اسلامی، مؤسساتی هستند که زمینه مبادله ابزارهای

مالی اسلامی را در بازارهای مالی براساس اصول اسلامی فراهم می‌کنند (صادقی و محسنی، ۱۳۹۲، ص. ۳۴).

نظام اقتصادی اسلام ضمن به‌کارگیری نعمت عقل و بهره‌مندی از تراش بشری بر پایه اصولی بنا شده است که به‌وسیله آنها اهداف شریعت از حیات دنیوی قابل دستیابی بوده و با لحاظ نمودن آنها جهت‌گیری‌های اقتصادی سامان می‌یابد در ذیل به ویژگی‌ها و خصایص نهاد مالی در راستای نظام اقتصادی اسلام اشاره می‌شود. لازم به ذکر است این قواعد و معیارها براساس اصول جهان‌بینی اسلامی و احکام فقهی با اتکا به میراث علمی بشری استخراج شده است.

۳. حرکت در مسیر تحکیم و صیانت از ارزش‌های دینی و اخلاقی

حرکت در مسیر ارزش‌های معنوی و اخلاقی در تمامی فعالیت‌ها و انجام مخلصانه کارها موردنظر شریعت بوده از این‌رو است که خداوند متعال هدف از خلقت انسان را پرستش برمی‌شمارد (ذاریات: ۵۶) و آدمیان را به اطاعت خویش و بیزاری جستن از شیاطین فرا می‌خواند و همگان را به بندگی پروردگاری که معاش و امنیت را مهیا نموده است دعوت می‌نماید (قریش: ۳ و ۴) چراکه ثروت اندوزی به ضمیمه فقر نفسانی و دوری از اخلاق سبب غوطه‌ور شدن در رذائل و فراموشی هدف از آفرینش در نتیجه تباهی جامعه می‌گردد.

اقتصاد در اسلام بر ایدئولوژی، اخلاق و ارزش‌های مشخصی بنا شده است و هدف از آن فقط بالابردن سطح زندگی مادی نبوده و بلکه تکامل روحی و فضایل اخلاقی در نظر قانون‌گذار جایگاه بالایی دارد (صدر، ۱۳۸۶، ص. ۱۰۱)؛ از این‌رو نهاد مالی اسلامی باید در مسیر نهادینه کردن ارزش‌های الهی همت بگمارد و تلاش خود را فقط جهت پیشینه کردن لذت‌های دنیوی مصروف نسازد و در چارچوب هنجارهای اسلامی حرکت نماید.

عدم توجه به ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی منجر به شکل‌گیری رقابت در حصول نفع فردی، تکاثرگرایی، تنزل انسان در مناسبات اقتصادی و به‌وجود آمدن طبقه مرفه شده است اما با نهادینه شدن اخلاق در فعالیت‌های اقتصادی ضمن افزایش یافتن

مسئولیت‌پذیری افراد نسبت به جامعه، اقتصاد انسانی شکل خواهد گرفت و زمینه تعاون و همیاری جهت ایجاد ثروت پایدار، تحقق رشد فقرزدا و پیشرفت همراه با عدالت سرزمینی فراهم خواهد گردید.

۴. کمک به تولید و نقش آفرینی در خلق ارزش

افزایش ثروت در سایه گسترش تولید با استفاده بهینه و عادلانه از عوامل طبیعی و انسانی مدنظر شارع بوده، از این رو ملتی که از ثمره کار و تلاش خویش ارتزاق نماید مشمول رحمت الهی واقع می‌شود (صدوق، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص. ۱۶۲). دین به کار و تلاش رنگ عبادت می‌دهد، تا آنجا که بهترین و تأثیرگذارترین جزء عبادت، طلب روزی حلال شمرده می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص. ۹) و برترین مردمان کسی شمرده می‌شود که از دسترنج خود امرار معاش کند و نیازمند دیگران نباشد از این رو نهاد مالی اسلامی باید ضمن هدایت پس اندازها به سمت سرمایه‌گذاری در دارایی‌های مشهود زمینه ایجاد ارزش‌های واقعی را فراهم سازد و کمک‌کننده تولید باشد.

در اندیشه مقام معظم رهبری تلاش برای رشد و توسعه و اعتلای جنبه اقتصادی دنیای اسلام، از کارهایی است که بدون شک جزو هدف‌های اسلامی است.^۳ به اعتقاد ایشان اقتصاد اسلامی در نگاه کلان قوامش به دو پایه اصلی افزایش ثروت ملی و توزیع عادلانه و رفع محرومیت در درون جامعه اسلامی است، البته توجه به این نکته لازم است که اگر تولید ثروت نشود، ارزش افزوده در کشور بالا نرود و نمی‌توان محرومیت را برطرف کرد.^۴

براساس نظریه درآمد قانونی شهید صدر، منشاء حصول درآمد قانونی و شرعی، فقط کار و ایجاد ارزش است.^۵ مطابق این نظریه حصول درآمد برای بانک باید در قبال انجام کاری باشد و تغییرات صوری در عقود و معاملات بانکی، هرچند ممکن است درآمد حاصله را از ربوی بودن خارج کند ولی چون مستند به کار نیست، غیر قانونی و غیر شرعی است و در نتیجه جانشین کردن عقد قرض در بانک با بیع، مضاربه، جعاله و امثال آن، مادامی که به انجام دادن کار ارزشمند اقتصادی نیانجامد مجوز ایجاد درآمد و دریافت یا پرداخت سود نخواهد شد و درآمد و سود حاصل به عنوان درآمد غیر

مستند به کار، غیر قانونی و غیر شرعی خواهد بود (تولمی و حیدری، ۱۳۹۸، ص. ۶۶۹).

در اندیشه اسلامی تولید با سه شاخصه لزوم تلاش برای تأمین معاش و پرهیز از تنبلی و تن پروری، پرهیز از حرص و طمع در مال اندوزی و حلال و طیب بودن درآمد، قرین است. اساساً یکی از مهم‌ترین اهداف ایجاد نهادهای چون بانک و بورس کمک به تأمین مالی طرح‌ها با بسیج منابع خرد است، اما انحراف از این اصل بنیادی منجر به تقویت فعالیت‌های سفته‌بازی و غیرمولد خواهد شد که اثرات آن را می‌توان در اقتصاد معاصر ایران مشاهده نمود.

۵. درآمدزایی در چارچوب شریعت

در اسلام کسب درآمد بی‌قید و رها نیست و شریعت با شعار تأمین معیشت از هر راه و به هر کیفیتی مخالف است،^۶ بلکه باید فعالیت اقتصادی منطبق با قالب‌ها و چارچوب‌های ایجابی و سلبی مدنظر شارع پایه‌ریزی شود، از این رو لازم است ساختار نهاد مالی به گونه‌ای شکل گیرد که سوددهی آن در چارچوب ضوابط و قواعد شریعت تنظیم شود، چنانچه در اندیشه امام خمینی (ره) کسب درآمد فقط از طریق کار مستقیم در جریان تولید، عمل ذخیره شده در سرمایه‌های فیزیکی و نقدی و تغییرات ارزشی در کار ذخیره شده^۷ مشروع است (میرمعزی، ۱۳۷۷، ص. ۱۹۲) و صاحبان وجوه پس از تزریق سرمایه‌های نقدی‌شان به بخش واقعی در منافع حاصل شده شریک خواهند بود.

۵-۱. تصرف و تملک اموال با ابزارها و قراردادهای مشروع

بر پایه آیات ۱۸۸ سوره بقره و ۲۹ سوره نساء، اسباب ملکیت و تملک باید در چارچوب شرع باشد، لذا نهاد مالی باید ظرفیت استفاده از ابزارها و قراردادهای مورد تأیید شرع را داشته باشد.

بر اساس آموزه‌های اسلام، کار و تلاش اقتصادی که همراه با استثمار و استعمار دیگری نباشد منبع مشروع کسب درآمد دانسته می‌شود و کسی حق ندارد برای کسب سود و منفعت کاری کند که دیگران مغبون و متضرر شوند.

در اندیشه شهید صدر اسلام از اعمالی که سبب هدر رفتن توان تولیدی مجتمع، از

بین رفتن عوامل تولید و موجب خلق ارزش افزوده نمی‌گردد مانند سحر، شعبده و قمار منع می‌کند (صدر، ۱۴۱۷ق، ص. ۶۲۴) و کارهای که ارزش اقتصادی نداشته و فاصله بین تولیدکننده و مصرف‌کننده را زیاد می‌کند مانند تلقی رکنان جایز نمی‌شمارد.

از مجموع روایات^۸ و کنار هم قرار دادن مجموعه از احکام مانند تحریم احتکار، ربا، قمار، معاملات کالی به کالی، عدم جواز اجاره دادن عین اجاره شده به مبلغ بیشتر بدون ایجاد تغییر در آن و عدم جواز فروش مبیع قبل از سررسید در بیع سلف این قاعده استنباط می‌شود که پول بادآورده و بدون عوض و کسب درآمد بدون انجام هیچ‌کاری به صرف بستن قرارداد با کسی و واگذاری آن به دیگر، مشروع نیست به بیانی دیگر کسب درآمد در اندیشه اسلامی دارای ضابطه و قانون بوده و فرد در قبال مشارکت و یا ایجاد ارزش افزوده واقعی که ناشی از کار و فعالیت فکری و یا بدنی باشد حق کسب عایدی دارد، از این رو لازم است تغییر قیمت‌ها و کسب سود از نوسانات قیمتی صکوک و سهام در بازار سرمایه در چارچوبی خاص تعریف شود به این معنا که هر فرد حق دارد اوراق بهادار خود را به همان قیمتی که خریداری نموده یا کمتر در بازار ثانویه به فروش رساند اما فروش به قیمت بالاتر در شرایط عادی^۹ منوط به ایجاد ارزش افزوده واقعی در موضوع اوراق است به این معنا که با پیشرفت پروژه یا افزایش قیمت مال‌الاجاره و یا بنگاه، تغییر قیمت اوراق امکان‌پذیر خواهد شد و کسب سود از دارایی مالی به عملکرد بخش واقعی پشتوانه آن نه انتظارات و شیوع خوش‌بینی و بدبینی مرتبط خواهد بود. چنان‌که شهید صدر معتقد است سودی که از خرید و فروش به‌دست می‌آید باید نتیجه خدمتی باشد که تاجر ارائه می‌کند و صرف نقل و انتقال ملکیت بدون اینکه کاری صورت گیرد نمی‌تواند مجوز سود بردن باشد، براین اساس ایشان بورس‌بازی را که شخصی کالایی را به صورت نقد، نسیه یا سلف خریداری کند به قصد اینکه آن را گران‌تر فروخته بدون اینکه کاری روی آن انجام دهد، جایز نمی‌داند (فراهانی فرد، ۱۳۸۸، ص. ۲۵).

۲-۵. پرهیز از صوری‌سازی معاملات

قالب عملیاتی و جهت‌گیری هر یک از عقود و قراردادهای مورد تأیید شریعت به سمت

اهداف کلی نظام اقتصادی اسلام بوده، از این رو ضروری است که محتوای عملکرد با فحوای عقد تطابق داشته باشد و اراده جدی بر انجام قرارداد وجود داشته باشد. در معاملات صوری^{۱۰} اگرچه شکل ظاهری قرارداد رعایت می‌شود لیکن طرفین یا یکی از آنها قصد جدی نسبت به رعایت مفاد آن را ندارد و به بیانی دیگر قصد جدی برای به وجود آوردن آثار حقوقی ناشی از عقد مورد انشاء وجود ندارد که این امر سبب می‌گردد، روال غیر شرعی در مبادلات دنبال شود.

به نظر می‌رسد افزایش سطح آگاهی و دانش فقهی کارگزاران و متقاضیان خدمت مالی نسبت به ماهیت، احکام و شرایط عمومی و اختصاصی عقود در کنار ایجاد ابزارهای لازم به منظور انجام عملیات حسابداری، نظارت و کنترل قراردادها شکاف بین نظریه و عملکرد را حداقل نموده و زمینه تحقق اقتصاد برآمده از شریعت را فراهم نماید.

نهاد مالی را می‌توان اسلامی نامید که قوانین شرع در حیطه تأمین مالی را عملیاتی نماید و ساختاری منطبق با نظام اقتصادی اسلام داشته باشد و تغییر اسم و صورتی‌سازی قراردادها سبب ایجاد نهاد مالی اسلامی نمی‌شود.

۳-۵. نهی از ربا

ربا با ایجاد در بازارهای پولی و تأثیر بر بازارهای حقیقی زمینه رکود و بحران را در اقتصادها ایجاد می‌نماید و نظام مالی مبتنی بر بهره سبب منتقل شدن ضرر و زیان‌ها به نیروی کار و فربه شدن ثروتمندان از طریق درآمدهای ربوی می‌شود، در مقابل جهت گیری شارع برای ایجاد ثبات و روند رشد مستقیم صعودی اقتصاد به وسیله حذف ربا از نظام مالی بوده است. حرمت ربا از ارکان اصلی و اساسی اقتصاد مبتنی بر اندیشه و حیانی است. این اصل و قانون، سبب پیدایش اختلاف و تفاوت جوهری در مدیریت نقدینگی بین نظام اقتصادی اسلام و نظام اقتصادی سرمایه‌داری شده است. اصولاً در نگاه سیستمی به اقتصاد در پرتوی شریعت ضمن قرار دادن حریم، تمامی راه‌ها و حیل‌های که منتهی به ربا شود مسدود شده است.

در آیه ۲۵۷ سوره بقره^{۱۱} علت انحراف از روند مستقیم پیشرفت و بی‌ثباتی

اقتصادی، ربا شمرده می‌شود و با تشبیه جامعه‌ای که در آن ربا حاکم است به شخص آشفته و مضطربی که نمی‌تواند به صورت صحیح و مستقیم راه برود و تلو تلو می‌خورد به آثار مخرب ربا بر معاش و اقتصاد اشاره می‌نماید.^{۱۲} براساس نگاه اقتصادی از آیه با گسترش و سیطره ربا بر فعالیت‌های اقتصادی جامعه روند رشد و پیشرفت اقتصادی مضطرب و نامنظم می‌گردد و به جای حرکت روبه‌رشد و بدون انحراف دارای حرکت سینوسی می‌شود روندی که اصلاح آن جز با حذف ربا امکان‌پذیر نیست.

شمول حرمت ربا برای تمامی عقود و معاوضات حتی صلح قول مشهور است (فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم‌السلام، ۴۲۶ق، ج ۴، ص. ۵۰) و صاحب جواهر در تبیین این امر می‌نگارد ادله حرمت ربا اطلاق داشته و اگر ربا اختصاص به قرض و خرید و فروش داشته باشد با حکمت تحریم ربا که برای طلب گسترش خوبی‌ها - اصطناع معروف - است ناسازگار خواهد بود (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۳، صص. ۳۳۶-۳۳۷).

در اندیشه امام موسی صدر، ربا خلق نقدینگی یا سرمایه بدون کار و ایجاد ارزش واقعی است (صدر، ۱۳۸۶، ص. ۱۴۳)؛ چراکه کسب سود بدون کار و تلاش سبب گسترش روحیه محاسبه‌گری و توجه به نفع و سود شخصی در مناسبات اجتماعی و دورشدن از انجام کارهای پسندیده می‌گردد. ربا سبب تباهی و فساد اموال می‌شود، چراکه با افزایش روحیه سودجویی و کاهش رغبت به فعالیت‌های مولد اقتصادی، نظم و نظام اقتصادی اجتماعی بهم می‌خورد.

اگر جامعه در پی دستیابی به توسعه و گشایش در روزی است چاره‌ای جز حذف ربا از مناسبات اقتصادی خود ندارد. بحران‌های اقتصادی در دنیای غرب به‌طور عمده ریشه در گسترش ربا در نظام اقتصادی آنها دارد. به‌عنوان نمونه، نتیجه بررسی‌ها و مطالعات [پیرامون بحران بزرگ سال ۱۹۳۰ میلادی که دامن‌گیر کشورهای غربی شد] نشان داد که جدا شدن بازار پول و کالا و رواج گسترده بورس بازی در بازار پولی با قراردادهای با نرخ بهره ثابت (ربا) عامل اصلی بروز بحران است (داودی و صمصامی، ۱۳۸۹، ص. ۱۳).

مطابق دیدگاه شهید صدر، نظریه درآمد قانونی به‌عنوان یکی از مبانی نظری نظام

اقتصادی اسلام در پی ریزی و تشریح احکام اقتصادی اسلام مورد توجه شارع بوده، به گونه‌ای که حرمت ربا به عنوان یکی از کلیدی‌ترین آموزه‌های اقتصادی اسلام مستند به آن است (تولمی و حیدری، ۱۳۹۸، ص. ۶۸۷).

توجه به این نکته لازم است که زمان -اجل- از جمله عواملی است که در تعیین میزان قیمت کالا در عقود معاوضی مؤثر است، از این رو قیمت یک کالا در خرید مدت‌دار (نسبه) بیشتر از خرید نقدی آن است ولی باید توجه داشت که اولاً ثمن در قبال أجل قرار نمی‌گیرند، چراکه زمان صلاحیت ندارد که به عنوان بخشی از معوض در برابر عوض قرار داده شود و ثانیاً محل جریان قاعده للاجل قسط من الثمن مبادلاتی است که عوض و معوض در تبادل با یکدیگر باشند لذا در عقودی مانند قرض که اساساً از عقود معاوضی نیست جریان نخواهد داشت تا بتوان با استدلال بر آن گذر زمان را منشأ کسب درآمد دانست.

۴-۵. حرمت سود بردن بدون پذیرش ریسک

از مجموع قواعدی چون نهی از ربح ما لم یضمن و الخراج بالضمن علیه این کبری کلی قابل استظهار است که شریعت کسب سود و عایدی سرمایه نقدی را در صورتی امضاء می‌کند که همراه با پذیرش ضرر و ریسک ناشی از فعالیت اقتصادی باشد. به بیانی دیگر عایدی مشروع هر دارایی با میزان مسئولیت‌پذیری در برابر زیان احتمالی آن دارایی مرتبط است. مراد از قاعده ربح ما لم یضمن نفی استحقاق سود در مواردی است که فرد رابطه خویش را با ریسک و خطر سرمایه‌گذاری قطع می‌کند همان نکته که در ربا نیز موجود است. از این رو آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی معتقداند مراد از این قاعده منع از روح ربا و حصول سود و منفعت برای صاحب سرمایه است که هیچ خسارت و زیانی را متحمل نمی‌شود و با حیل می‌خواهد از راهی جز قرض ربوی منفعتی به دست آورد (هاشمی‌شاهرودی، ۱۳۷۶، ص. ۹). چنانچه در بیانی از امیرالمومنین علی علیه السلام نقل شده است اگر صاحب مال عامل را ضامن مال قرار دهد از سود نصیبی نخواهد داشت (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۹، ص. ۲۲).

در اندیشه شهید صدر، تنها طریق حصول سود برای سرمایه‌گذاری است که سرمایه‌دار ریسک عمل را بپذیرد و تمامی پیامدهای منفی سرمایه‌گذاری را به‌تنهایی برعهده بگیرد (صدر، ۱۴۲۵ق، ص. ۶۶). به نظر آیت‌الله هاشمی‌شاهرودی از مجموع روایات این کبری کلی آشکار می‌گردد که سود تجاری فقط در صورتی حلال است که فرد نسبت به آن ضامن باشد به این معنا که اگر کالا تلف شود وی متحمل ضرر گردد (هاشمی‌شاهرودی، ۱۳۷۶، ص. ۴۲). لذا استفاده از شروط ضمن عقد برای برای تضمین اصل وجوه و انتقال ریسک و ضرر معامله به عامل و بهرمندی از سود محمل شرعی نداشته و قراردادها با تضمین سرمایه به قرض تبدیل می‌شوند و باید احکام آن مراعات گردد.

تأمین مالی با بهره ثابت در نظام مالی اسلام با محدودیت‌هایی مواجه است و سرمایه‌گذاران بدون تحمل ریسک نمی‌توانند در سود سهیم باشند (صادقی و محسنی، ۱۳۹۲، ص. ۳۰). در روایتی صحیح امام صادق علیه‌السلام پیرامون بیع‌الخیار در تبیین تعلق گرفتن منافع و عواید مبیع به مشتری به این نکته اشاره می‌نمایند که منافع برای کسی است که متحمل ضرر و زیان‌ها می‌شود.^{۱۳} از این رو یک نهاد مالی اسلامی باید برنامه‌ریزی و عمل نماید که منافع و عواید به طرفی تعلق بگیرد که در صورت وقوع تلف و زیان متضرر می‌شود.

۵-۵. پذیرش ریسک ارزش آفرین

برخی معتقداند عدم رشد اقتصادی کشورهای توسعه‌نیافته ناشی از اندک بودن افراد ریسک‌پذیر جهت انجام فعالیت‌های نوآورانه و ریسکی است. به بیان دیگر هر اندازه که تحمل ریسک بیشتر شود، احتمال ابتکار، نوآوری و سودآوری و در نتیجه رونق اقتصادی افزایش می‌یابد. نقش ریسک در توزیع درآمد از آن حیث است که درآمدهای احتمالی و مازاد پس از پرداخت اجرت‌های قراردادی با نتایج عملیات سرمایه‌گذاری ارتباط می‌یابد و ورود عوامل تولید در عملیات سرمایه‌گذاری به صورت مشارکت در تقسیم ریسک - به‌ویژه عامل سرمایه نقدی - آثار مثبتی روی عدالت توزیعی و تخصیص کارآمد درآمدها دارد (سرآبادانی، ۱۳۹۳، صص. ۵-۱۳).

بررسی متون مالی نشان می‌دهد که در تعریف ریسک، نوسان و عدم اطمینان صرف مورد توجه است و این عدم اطمینان هم بازده بالاتر از مقدار مورد هدف و هم پایین‌تر از مقدار هدف را در بر می‌گیرد و لذا می‌توان نتیجه گرفت که وقتی از ریسک در ادبیات مالی صحبت می‌شود، منظور همان مقیاس عدم اطمینان یا پراکندگی پیرامون بازدهی، نسبت به مقدار مورد انتظار است که سنجه آن واریانس یا انحراف معیاری است (موسویان و علیزاده‌اصل، ۱۳۹۴، صص. ۷۳-۷۶).

اسلام نسبت به ریسک راه میانه را برگزیده است نه آن را مطلقاً پذیرفته و نه به صورت کامل رد می‌کند، بلکه درصدی بیان محدودیت‌هایی جهت پذیرش ریسک است لذا ریسک منفک از عمل و سرمایه (ریسک محض) که ایجاد ارزش افزوده نمی‌کند را مردود می‌داند. از سوی دیگر ریسک حاصل از فعالیت‌های سرمایه‌گذاری بین طرفین توزیع می‌شود و به گونه‌ای نیست که یک طرف منتفع و طرف دیگر متضرر شود و انتقال کامل ریسک جایگاهی ندارد.

توجه به این نکته ضروری است که اسلام هر نوع ریسک و نااطمینانی را نمی‌پذیرد بلکه ریسک مفید، مولد و قابل کنترل در امور مالی مشروط به ایجاد ارزش جدید را تجویز می‌نماید (غفاری، ۱۳۹۲، ص. ۸۱). نهاد مالی تراز جامعه اسلامی باید ضمن پوشش ریسک به منظور ارزش‌آفرینی از جولان فعالیت‌های ریسکی غیرمولد که براساس بازی فکر و انتظارات کاذب مانند باینری آپشن و فارکس شکل می‌گیرد جلوگیری نماید.

۶. کمک به افزایش رفاه عموم افراد جامعه

در دیدگاه مکاتب مختلف اقتصادی رفاه و توسعه با اصل قرار دادن حداکثرسازی لذت‌های دنیوی هدف اصلی شمرده می‌شود، از این رو به پیشینه سازی نفع شخصی از طریق کسب سود بالاتر، افزایش مصرف و انباشت ثروت تشویق می‌نمایند این در حالی است که شریعت با نگاه آلی به دنیا آن را ابزاری برای رسیدن به سعادت حقیقی و پایدار می‌داند.

اسلام برخلاف دیگر مکاتب اقتصادی فقط به دنبال ایجاد یک جامعه ثروتمند نبوده بلکه درصدی ترسیم جامعه‌ای است که در آن رفاه عمومی و عدالت اجتماعی نهادینه

شده باشد، از این رو نهاد مالی در اندیشه دینی باید در مسیر افزایش رفاه عمومی و نه طبقه خاص- سرمایه‌دار- گام بردارد. به عقیده اکلس^{۱۴} کساد و رکود بزرگ به دلیل انباشت گسترده درآمد در دست عده قلیلی از ثروتمندان جامعه بود که قدرت خرید را از بقیه مردم ربوده بودند این همان دیدگاهی است که به طور مستقیم باعث به بار آوردن رکود بزرگی شد که در اواخر سال ۲۰۰۷ میلادی آغاز و دامن آمریکا را گرفت (رایش، ۱۳۹۲، ص. ۶۷)، از این رو ساختار نهاد مالی در تراز نظام اقتصادی اسلام باید برای رفع نیاز تمامی افراد جامعه و نه حافظ منافع ثروتمندان شکل بگیرد.

در ادبیات دینی رفاه زمانی تحقق می‌یابد که فقیری وجود نداشته باشد و مردم در آسایش زندگی نمایند. در حدیثی از امام صادق علیه‌السلام آمده است باید به فقیر آن مقدار داده شود که بخورد، بیاشامد، بپوشد، ازدواج کند، صدقه دهد و به حج رود (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۹، صص. ۲۸۹-۲۹۰) و بهره‌مندی از دنیا تاجایی که منجر به دنیا طلبی، سرمستی و رفاه‌زدگی و فراموشی خداوند نشود، مطلوب و پسندیده شمرده می‌شود (دایره‌المعارف قرآن کریم، ج ۴، ص. ۱۳۹). از آیه هفتم سوره حشر این نکته فهمیده می‌شود که گردش اموال بین گروهی خاص از جامعه مدنظر و مطلوب شارع نیست و با قرار دادن فیء برای بخش کمتر برخوردار جامعه از جریان ثروت بین افراد جامعه حمایت می‌کند تا اموال و ثروت‌ها متمرکز در دست گروهی محدود نشده و از پیدایش اقلیتی ثروتمند و اکثریتی فقیر پیشگیری نماید.

برخی از اندیشه‌وران معتقداند با توجه به اینکه بدون رشد اقتصادی مطلوب، رسیدن به رفاه عمومی مطلوب، امری غیر ممکن است از این رو رشد و آبادانی اقتصادی، هدف مقدماتی و ابزاری برای رفاه عمومی دانسته می‌شود (یوسفی، ۱۳۸۷، ص. ۵۴). نهاد مالی اسلامی نباید خود را منفک از جامعه بداند، به صورتی که با اختلال در معاش مردم به دنبال بیشینه کردن درآمد خود باشد، مانند ورود برخی از بانک‌ها در بازار مسکن و سکه.

۷. حفظ سلامت اقتصادی جامعه و صیانت از سرمایه انسانی، مادی و اجتماعی (عرصه داخلی)

حفاظت از منابع و سرمایه‌های مادی و معنوی در کنار منع از تزیین حقوق و اموال

دیگران جایگاه ویژه در اندیشه اسلامی دارد. شریعت با الزام بر دوری از اسراف و تبذیر، غش در معاملات، غبن و غرر- رعایت تعادل در معاملات- تدلیس، احتکار، اتلاف اموال و رشوه اهمیت این موضوع را نشان داده است.

صیانت از سرمایه با استفاده بهینه و بهرمندی از آن معنا می‌یابد، لذا باید با استفاده از ظرفیت‌ها و داشته‌های خویش، بهترین استفاده را از این دنیا ببرد و کوتاهی در بهره‌برداری از نعمتهای الهی و کوشش نکردن در کشف و ابداع ابزارها و مهارت‌های لازم از مصادیق کفران نعم الهی دانسته می‌شود. از این رو است که امیرالمومنین علی علیه السلام فقر و فلاکت با داشتن منابع و سرمایه را سبب دوری از رحمت الهی می‌دانند (حمیری، ۱۴۱۳ق، ص. ۱۱۵).

در اندیشه اقتصادی امیرالمومنین علی علیه السلام تلاش برای حفظ یک هسته خرما ارزش دارد، چراکه با استفاده صحیح از آن دانه، یک درخت رشد کرده و هزاران سرمایه دیگر و منبع غذایی جدید برای جامعه تحقق می‌یابد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ص. ۷۵). ایجاد جامعه‌ای که از امنیت کامل اقتصادی برخوردار و از سلامت مالی بهره‌مند باشد یکی از اهداف و اغراض شارع است (احمدی ابهری، ۱۳۹۵، ص. ۲۲۷). از این رو شریعت با نهی از اموری که منفعت حلال عقلانی ندارند، منع از اکل مال به باطل- تصرف بوجه غیر حلال در اموال یکدیگر-، نهی از فعالیت‌های استثمارگراییانه مانند ربا و فعالیت‌های همچون سرقت، کلاهبرداری، خیانت در امانت، قمار، اختلاس، ارتشاء، غش در معامله، تدلیس، تلقی رکیان و تولید کالاهای مانند شراب و کتب ضاله، جهت‌گیری نظام اسلامی را در حفظ سلامت فعالیت‌های اقتصادی نشان می‌دهد.

همچنان که هر فرد باید از حرام خواری و کسب درآمد حرام پرهیز کند جامعه نیز باید به گونه‌ای شکل بگیرد که کسب حرام و مال نامشروع در آن نباشد، چراکه گسترش کسب حرام سبب انحطاط جوامع می‌گردد. یکی از راه‌های حفظ سلامت اقتصادی جامعه مقابله با ورود درآمدهای حرام در شریان اقتصادی جامعه و قوانین سرسختانه پول‌شویی بر پایه احکام دین است.

اساساً اسلام با تبیین دیدگاه اطمینان‌بخش در زمینه امنیت اقتصادی به دنبال ثبات در بازارهای مالی و اقتصادی است که این امر در بُعد خرد با حفظ مال و عرض

اشخاص و در بُعد کلان با ثبات و اطمینان به شرایط اقتصادی حاکم بر جامعه تحقق می‌یابد (صادقی و محسنی، ۱۳۹۲، ص. ۲۵).

در اندیشه شهید صدر در نظام شکل گرفته براساس شریعت، ضرر و زیانی نباید در عرصه قانون‌گذاری و بهره‌برداری از حقوق وجود داشته باشد (صدر، ۱۴۲۰ق، ص. ۲۸۸). براساس قاعده لاضرر هر نهاد مالی ضمن فعالیت در حدود معین اسلامی نباید سبب زیان رساندن به فرد یا جامعه شود و نفع گروهی با ضرر رساندن به دیگران نباید همراه باشد.

۸. صیانت از استقلال اقتصادی جامعه اسلامی (عرصه بین‌المللی)

یک جامعه پیشرفته، پیش‌رو و پیشتاز، جامعه‌ای است که روی پای خود بایستد و نظام سیاسی اقتصادی‌اش برپایه ظرفیت‌های درونی در کنار تعامل با دیگران شکل بگیرد. در ادبیات قرآنی از دل بستن، تکیه بر ظالمان (هود: ۱۱۳) و تسلط کفار بر مسلمین (نساء: ۱۴۱) نهی شده است و بر حاکمیت سیاسی اسلام و استقلال اقتصادی مسلمانان تأکید شده است و این هدف هنگامی میسر است که ملت مسلمان در اداره معاش خویش محتاج به غیر نباشد و با تولید محصولات مورد نیاز استقلال اقتصادی و عزت خویش را پدیدار می‌گردد.

کشوری که از لحاظ اقتصادی مستقل و قوی نباشد برای برطرف کردن نیازهای اساسی خود دست به سمت دیگران دراز می‌کند و ممکن است از آرمان‌ها، عزت، شرف و دین خود برای دست‌یابی به حداقل نیازها دست بکشد، چنانکه رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرموده‌اند: مؤمن اگر حرفه و پیشه‌ای نداشته باشد دین و ایمانش را وسیله گذران زندگی‌اش قرار می‌دهد و به سوی کفر رهنمون می‌گردد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص. ۹).

نهاد مالی تراز نظام اسلامی باید ضمن پوشش نیازهای اقتصادی جامعه عاملی برای خودباوری و تکیه بر ظرفیت‌های داخلی باشد و صیانت از استقلال اقتصادی را در تعامل با نهادهای مالی کشورهای دیگر و سازمان‌های جهانی الگوی تصمیم‌سازی خود قرار دهد.

۹. ایجاد هماهنگی بین بخش پولی و واقعی

در اندیشه اسلامی با توجه به نقش ابزاری پولی برای تسهیل مبادلات و حرمت ربا وجود بخش پولی مستقل از بخش واقعی قابل تصور نیست و در تمام عقود شرعی بازده سرمایه پولی براساس بازده تحقق یافته محاسبه می‌گردد. این امر سبب می‌شود که بخش اعتباری نتواند از بخش واقعی پیشی بگیرد؛ بلکه همیشه به دنبال آن و در چارچوب اقتصاد واقعی و در مسیر ایجاد ارزش افزوده حقیقی حرکت می‌نماید.

از مجموع احکام و قوانین حاکم بر مبادلات این نکته قابل استنباط است که شریعت خواهان افزایش تولید، اشتغال و رفاه جامعه در نتیجه رونق بخش واقعی اقتصاد است و بخش پولی را انعکاس و آیینه از بخش واقعی می‌داند.

اساساً پول به‌منظور تسهیل و تأمین مالی یک فعالیت اقتصادی خلق شده است و از طریق توزیع بین عوامل به چرخه اقتصاد بازمی‌گردد. پول در صورت پیوند و تلفیق با بخش واقعی می‌تواند منشا اثر گردد (Fisher, 1978, p. 222). چراکه بخش مالی فی نفسه مطلوبیتی برای آحاد جامعه نداشته و هدف اصلی و غایی ایجاد بخش پولی رونق بخشیدن به بخش واقعی بوده است.

لازم به یادآوری است که پول از مقدمات نهادی تولید بوده و رشد آن متناسب با رشد بخش حقیقی شرط لازم برای پیشرفت و توسعه اقتصادی است؛ از این رو نظرات رادیکالی نسبت به خلق پول که ناشی از درک نادرست رابطه نهاد پول و تولید است صحیح نیست. البته توجه به این نکته ضروری است که حتی اگر بخشی از حجم خلق پول ایجاد شده در سال‌های اخیر صرف سرمایه‌گذاری در طرح‌های جدید می‌شد اکنون اقتصاد ایران یکی از شکوفاترین دوره‌های خود را می‌گذراند.

در اندیشه اسلامی و برپایه حاکمی بودن بخش مالی از بخش واقعی عامل نمی‌تواند کار را به عاملی دیگر به مبلغ کمتر واگذار نماید (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۹، ص. ۲۹) و براساس واسطه‌گری و بدون خلق هیچ ارزش افزوده‌ای کسب درآمد نماید، لذا از دلالتی در عقد اجاره و مضاربه نهی شده است (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص. ۶۶۱). شهید صدر یکی از اصول ده‌گانه ثابت در اقتصاد اسلامی را ممنوعیت کسب درآمدی می‌داند که براساس کار نبوده و پول بدون پیوند با بخش واقعی رشد یابد (صدر،

۱۴۲۵ق، ص. ۶۷) چراکه تبادل وجوه در قبال خلق ارزش افزوده واقعی صحیح است و نهادهای مالی باید ضمن کنترل دقیق ابزارها از صوری شدن مبادلات و رواج دلالی و مبادلات انتظاری ممانعت نموده و از شکاف و جدایی بین بخش مالی و حقیقی جلوگیری نمایند این امر در صورتی تحقق می‌یابد که نهاد مالی حامی و تابع بخش واقعی باشد و نه حافظ منافع سرمایه‌داران.

۱۰. کمک به ایجاد توازن و تعادل در جامعه

اگرچه برخی معتقداند نهادهای مالی هم‌چون بانک و بورس وظیفه‌ای در قبال این موضوع ندارند و این هدف باید توسط نهادهای مالیاتی و تأمین اجتماعی دنبال شود، ولی به نظر می‌رسد نهادهای مالی انتفاعی و غیرانتفاعی در تراز شریعت باید با نگاهی جامع و کلان در جهت حفظ ارزش و منزلت انسانی و برطرف نمودن تبعیض و کاهش اختلاف طبقاتی گام بردارند.

اساساً در اندیشه اسلامی فعالان اقتصادی در کنار سعی برای کسب درآمد حلال و عدم تن‌پروری باید نسبت به عمران و آبادانی زمین، گسترش رفاه عمومی و تلاش برای ایجاد توازن در جامعه نگاهی ویژه داشته باشند.

شریعت برای رسیدن به توازن و تعادل در کنار حفظ کرامت انسان برنامه جامع ارائه داده است که نهاد مالی اسلامی باید در رعایت آنها کوشا باشد و با لحاظ اموری که در ذیل به آنها اشاره می‌شود اهداف خود را دنبال نماید.

۱۰-۱. رعایت عدالت اقتصادی

تکوین و تشریح بر پایه عدل و انصاف استوار شده است و در تمام احکام دین، چه در عبادات و چه در معاملات، جنبه عدالت فردی و اجتماعی لحاظ شده و هیچ حکم ظالمانه تشریح نشده است و شارع در آیات و روایات از عموم مکلفین خواسته است که عدل و انصاف را پایه و اساس کار و عمل خود قرار دهند (محماد، ۱۳۸۵، صص. ۲۳۵-۲۷۰). قاعده عدل و انصاف، قاعده حقیقی است که تمام شئون حیات را دربرمی‌گیرد و عدالت اقتصادی، از مهم‌ترین اصول و والاترین اهداف اسلام است که نهادها باید آن را رعایت نمایند، نه اینکه براساس قدرت اقتصادی و رانت اطلاعاتی

خود به حقوق افراد جامعه تعدی نمایند.

اساساً مذهب اقتصادی اسلام، مسئول ایجاد روشی عادلانه در قلمرو فعالیت اقتصادی است که با اندیشه عدالت اجتماعی ارتباط دارد (صدر، ۱۴۰۰ق، ص. ۳۸۱). لازم به ذکر است اگرچه مکانیسم بازار تضمین کننده کارآیی دانسته می‌شود اما نمی‌تواند تحقق عدالت را تضمین نماید.

در نظام اقتصادی اسلام، عدالت معادل عدم ظلم و تعدی به حقوق دیگران است. عدالت با التفات و رعایت حقوق اموال، افراد، ملت و حاکمیت تحقق می‌یابد. عدالت به معنای داشتن فرصت‌های برابر و رعایت و ادای حقوق متقابل است. عدالت غیر از تعادل مورد نظر اندیشه سرمایه‌داری و متفاوت از مساواتی است که سوسیالیست‌ها بدان اعتقاد دارند (کرمی، و پورمند، ۱۳۹۱، صص. ۱۶۷-۱۷۵). عدالت آن است که هرکس به حق خود برسد، صاحب سرمایه و نیروی کار متناسب با سهم‌شان در خلق ارزش افزوده از منافع حاصله بهره ببرند نه مانند نظام سرمایه‌داری که تمام اندیشه‌ها، ابزارها و نهادها برای حفظ و صیانت از سرمایه به کار برده شوند و توده جامعه مورد ظلم قرار بگیرند و نه مانند سوسیالیسم با قانون «کار به قدر استعداد و خرج به قدر احتیاج» سبب استثمار و اجحاف به فعالان اقتصادی می‌گردد. این نوع نگاه به مفهوم عدالت وسیع‌تر است از تفسیری که رالز در دهه ۷۰ میلادی با عنوان توزیع منصفانه مطرح می‌کند وی وضعیتی را عادلانه می‌داند که همگی از فرصت‌های مساوی برخوردار باشند و در صورت عدم تحقق عملی آن، تلاش برای حداکثر کردن رفاه محروم‌ترین‌ها صورت بگیرد (دادگر، ۱۳۸۳، صص. ۵۳۷-۵۳۸). شفافیت اطلاعاتی و جلوگیری از ایجاد فضای رانتی در گسترش عدالت نقشی اساسی دارد و زمینه رشد و شکوفایی استعدادهای فراهم می‌سازد. مثلاً تعهد به تخصیص عادلانه تسهیلات بانکی ضمن اعتماد مردم به نظام بانکی زمینه رشد متوازن اقتصادی را فراهم می‌سازد.

۲-۱۰. ساختار ویژه حقوق مالکیت

ترسیم ساختاری بدیع از مالکیت با پذیرش مالکیت خصوصی، عمومی و دولتی در کنار هم و تبیین حقوق مالکیت سبب حفظ توازن و صیانت از حقوق عموم افراد جامعه

می‌شود. مالکیت در اسلام معادل اختیار تام داشتن نیست، بلکه اختیاری همراه با مسئولیت است، لذا مالک حق احتکار و یا از بین بردن مال خود را ندارد.

بر پایه حکم عقل فرد مالک ثمرات و نتایج اعمالش است و مالکیت خصوصی در اموری جاری است که فرد در خلق و ارزش‌دهی به آن نقش دارد و منابع طبیعی که خلق خداوند متعال بوده ملک عموم یا دولت است (صدر، ۱۴۱۷ق، صص. ۳۴۲-۳۴۵).

اسلام با پذیرش مالکیت ابتدایی مواد اولیه که به وسیله حیازت در منقولات و خلق ارزش در غیر منقولات به وجود می‌آید، مالکیت تبعی نمآت و مالک شدن براساس اسباب اختیاری مانند عقود و ایقاعات و اسباب غیر اختیاری مانند ارث، حقوق خاصی از مالکیت را بیان می‌کند. براین اساس محصول و درآمد تولیدی ملک کسی است که مالک مواد اولیه باشد، هرگونه رشدی که در اصل مال پدید آید متعلق به صاحب مال است. به عبارت دیگر مالک اصل، مالک فروعات - نمآت متصل و منفصل - نیز هست، لذا عامل و کارگر، مالک تمام ارزش ایجاد شده است مشروط به اینکه ماده اصلی، ثروت طبیعی بوده و متعلق به شخص دیگری نباشد. به عنوان نمونه اگر با چوب و الواری که دیگری از جنگل جمع کرده است فردی صندلی بسازد آن شیء برای صاحب الوار خواهد بود و سازنده صندلی فقط مستحق اجرت خواهد بود و سرمایه‌دار در صورتی سهام در سود و منافع به دست آمده است که مالکیتش نسبت به سرمایه انتقال نیابد و ریسک فعالیت اقتصادی را پذیرفته باشد.

مالکیت و مدیریت به عنوان ضابطه اصلی در تمایز و تفکیک بخش‌های اقتصادی شمرده می‌شود، لذا نهاد مالی اسلامی ضمن رعایت مالکیت افراد نسبت به دارایی‌هایشان نباید شرایطی را ایجاد نماید که صاحبان سرمایه به علت دارا بودن سرمایه مالی به استثمار و بهره‌کشی از تولیدگران و نیازمندان بپردازند. ایجاد نهاد مالی با استفاده از ابزارهای مالی منطبق بر شریعت بدون لحاظ کردن حقوق مالکان امکان‌پذیر نیست و نمی‌توان براساس عقد وکالت منابع را جذب نمود، ولی سود حاصل شده را بین موکلین تقسیم نمود.

۱۱-۳. نظام توزیعی ثروت و درآمد

ریکاردو^{۱۵}، تعیین قوانینی که توزیع درآمد (رانت زمین، سود سرمایه و دستمزد

نیروی کار) را تنظیم می‌کند مسأله اصلی اقتصاد می‌داند و در اندیشه وی توزیع درآمد مقدم بر تعیین قیمت است و متغیرهای اقتصادی پیوندی علی و معلولی دارند (دادگر، ۱۳۸۳، ص. ۲۴۹).

فرایندهای تولید و توزیع در نظام بازار به هم پیوسته است، از این رو سهم هر فرد از کل درآمد کاملاً متناسب با سهم وی در تولید و ایجاد درآمد است. در مقابل سوسیالیست‌ها فرایند تولید و توزیع را از یکدیگر جدا می‌دانند و معتقدند با الغای مالکیت خصوصی هر کس باید به اندازه توانش در تولید مشارکت نماید و به اندازه نیازش از توزیع بهرمنند شود (زمان‌زاده و الحسینی، ۱۳۹۱، صص. ۵۱-۵۹).

شریعت با تبیین توزیع قبل و بعد از تولید، نظام توزیعی ویژه را پایه‌ریزی می‌نماید تا زمینه استفاده همگان از ثروت‌های طبیعی مهیا شود. احکام و قوانین شریعت در مورد توزیع ثروت بعد از تولید برای هر یک از ارکان ایجاد ارزش با رعایت عدالت و انصاف و لحاظ رشد و تعالی مادی و اخلاقی جامعه متفاوت است. بر این اساس نیروی کار برپایه قرارداد منعقد شده سود ثابت (مزد) و یا سود متغیری که مصون از زیان است و ابزار تولید سود ثابت (اجاره بها) دریافت می‌نمایند اما سرمایه پولی، فقط در سود حاصل شده سهیم است و سود ثابت و مصون از ضرر نمی‌برد.

نهاد مالی باید به‌گونه‌ای سامان یابد که سهم‌بری صاحبان اوراق دارایی و عایدی فعالان بازار بیشتر از فعالان بخش واقعی نباشد، چراکه عدم توازن در درآمدزایی سبب خروج فعالان بخش کم برخوردار می‌شود و در بلندمدت تولید را با چالش مواجه می‌سازد از سوی دیگر گسترش نابرابری در توزیع درآمد زمینه‌ساز بحران خواهد بود.

۱۱-۴. جلوگیری و ممانعت از بروز شکاف طبقاتی

فقر مفهومی نسبی به‌معنای فاصله از سطح زندگی و معاش عمومی است و خداوند اغنیا را برای توانمندسازی نیازمندان و رساندن آنها به نقطه کفاف امر فرموده است و عدم پوشش نیازهای محتاجان توسط اغنیا انکار و کفران نعمت الهی شمرده می‌شود (نحل: ۷۱).

هدف از تشریح زکات، خمس و قرار دادن انفال برای برخی گروه‌ها تنها برآورده

شدن احتیاجات ضروری نیست، بلکه کاهش فاصله طبقاتی است. تشریح زکات و خمس قانون مقدسی است که برای تعدیل زندگی طبقات مختلف و نزدیک ساختن سطح زندگی افراد در جامعه وضع شده است و به هیچ وجه نمی توان آن را ابزاری برای اداره دولت دانست (صدر، ۱۳۸۶، ص. ۱۵۷ و ۱۸۸).

زیربنایی بودن اقتصاد در شکل دهی نظام اعتقادی جامعه نیز غیر قابل تردید است، چراکه جامعه ای که در آن فقر باشد، مشکلات معیشتی وجود داشته باشد حالت آرامش ایمانی پیدا نمی کند. گسترش شکاف طبقاتی سبب بروز فقر نفسانی در وجود طبقه نیازمند می شود و در نتیجه به گسترش ناهنجاری های اخلاقی و بزهکار در جامعه دینی می شود.

به نظر می رسد اساساً شارع با تحریم ربا، ممنوعیت کنز و ذخیره کردن مال، و جوب پرداخت خمس و زکات و ترغیب و تشویق بی پایان در مورد انفاقات سعی در کاهش شکاف طبقاتی و جلوگیری از انباشت ثروت دارد و از سوی دیگر با نفی تبرج، خودنمایی و تجمل گرایی راه اتراف و غرق شدن در مادیات را بسته است.

با این حال اختلاف سطح معیشتی در جامعه ناشی از تفاوت های ذاتی افراد یا تفاوت در زمینه های اجتماعی یا فرهنگی امری طبیعی در اقتصاد اسلامی تلقی شده است تا جایی که برخی در تفسیر آیه ۳۲ زخرف قوام دنیا را در این تفاوت ها دانسته اند (مراغی، بی تا، ج ۲۵، ص. ۸۶). وسعت و تنگی روزی مردمان علت گردش حیات، تعاون در زندگی و بهره مندی از عمل و ظرفیت های مختلف افراد است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، صص. ۷۱-۷۲)، اما این تفاوت های معیشتی نباید به شکاف طبقاتی در جامعه بینجامد.

سرزمین اقتصاد اسلامی دارای دره های عمیق فقر و قله های بلند ثروتمندی نیست، بلکه یک دست و هموار است. چراکه به کمک انفاقات و صدقات از قله ثروتمندی وجوه أخذ و به دره فقر ریخته می شود تا شکاف بین فقیر و غنی از بین رود. به همین خاطر در قرآن مجید در این مورد از دو واژه «انفاق» و «صدقه» سخن رفته است، زیرا انفاق یعنی پرکردن شکاف بین فقیر و غنی و صدقه یعنی پرداخت وجوهی که شکاف طبقاتی و به دنبال آن کینه طبقاتی را از بین می برد و دوستی جمعی به وجود می آورد

۱۱-۵. جلوگیری از انباشته بی‌رویه ثروت (ممنوعیت کنز)

یکی از عوامل عدم تعادل و بهم خوردن توازن جامعه کنز و معطل گذاشتن سرمایه است که شریعت آن را حرام می‌شمارد. کنز به معنی جمع و ذخیره کردن اموال برای حفظ و نگهداری است (راغب‌اصفهانی، بی‌تا، ص، ۷۲۷)؛ و قوامش به ممانعت و جلوگیری از جریان پیدا کردن آن در میان مردم و انتفاع دیگران از آن است.

براساس آیات ۳۴ و ۳۵ سوره توبه اگر کسی با وجود احتیاج اجتماع به هزینه کردن جهت رفع نیازهای موجود در جامعه، سرمایه و نقدینه را احتکار و حبس کند باید منتظر عذابی دردناک باشد، چون او خود را بر خدایش مقدم داشته و احتیاج موهوم و احتمالی خود را بر احتیاج قطعی و ضروری اجتماع دینی برتری داده است و علاوه بر اینکه به مصالح حیات اجتماع لطمه زده‌اند، به خدا و رسول هم خیانت کرده‌اند، زیرا مال را از نظر زمامدار اجتماع پنهان نموده‌اند، در نتیجه در یک گوشه اجتماع مال فراوانی دفن و روی هم انباشته شده، در حالی که در گوشه‌های دیگر اجتماع احتیاج ضروری به پول، حیات اجتماع را تهدید می‌کند.

ممنوعیت انباشت سرمایه نهی از داشتن پول نیست، بلکه نهی از حبس آن است، چون اسلام مالکیت اشخاص را از حیث کمیت محدود نکرده و اگر نهادی چندین برابر آن دفاینه ثروت می‌داشت ولی آن را حبس نمی‌کرد، بلکه آن را در معرض جریان قرار می‌داد، هیچ عتابی متوجه او نخواهد بود چون با جریان ثروت، هم خود او و هم دیگران از آن بهره‌مند می‌شدند. از این رو به تراکم و انباشت ثروت نزد برخی اگر سبب افزایش معضلات و مشکلات اقتصادی در جامعه شود از منظر شریعت ممنوع است حتی اگر حقوق مالی آن پرداخت شده باشد.

به نظر می‌رسد ملاک احتمالی وجوب زکات نفوذ این است که، از راکد شدن آن جلوگیری شود، زیرا رکود نقدینگی سبب اختلال در اوضاع اقتصادی جوامع می‌شود و چه بسا کنز (گنج) در آیه ۳۴ سوره توبه نیز به همین معنا اشاره داشته باشد از سوی دیگر شرط بودن مرور سال برای وجوب زکات در طلا و نقره این احتمال را تقویت می‌نماید که هرگاه شخص، نقدینگی خود را در جریان تولید، تجارت و انفاق قرار دهد

از گنج‌اندوزی و رکود پول نقد رهایی می‌یابد از این رو اسلام زکات پول رایج را واجب نکرده است (حائری، ۱۴۲۳ق، ج ۲۰-۱۹، صص. ۳۸-۴۰). اساساً ممنوعیت و حرمت کنز سبب افزایش مشارکت‌های اجتماعی و ارتقای سطح سرمایه‌گذاری می‌گردد.

نهاد مالی باید با رصد دقیق اقتصادی جامعه زمینه هدایت وجوه را به سمت رفع نیازهای حقیقی فراهم سازد و باید از تزریق منابع مالی به سمت سوداگری، بخش‌های غیرضروری و لوکس جلوگیری نماید.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

شریعت برای ایجاد و تشکیل نهادهای مالی در راستای اهداف آفرینش ضوابط عامی را ترسیم نموده است که بدون عملیاتی کردن آنها جهت‌گیری به سمت اقتصاد اسلامی امکان‌پذیر نخواهد بود. این مؤلفه‌ها در کنار عدم مغایرت و شرعی بودن ابزارها زمینه تحقق نظام اقتصادی اسلام را میسر می‌سازد. این ضوابط و قواعد که شریعت بر آنها تأکید دارد نه مانعی برای نوآوری، بلکه به هدف صیانت از بنیان‌های اقتصادی و انسجام بخشیدن به معاش جامعه و جلوگیری از هرج‌ومرج در کنش‌های اقتصادی است. از این رو لازم است در نهادسازی مالی اسلامی به تغییر فروض بسنده نکرده بلکه به تناسب موقعیت و نیاز خود با اقتباس چارچوب‌ها و ساختارها از شریعت از خلاقیت و میراث بشری الهام گرفته شود.

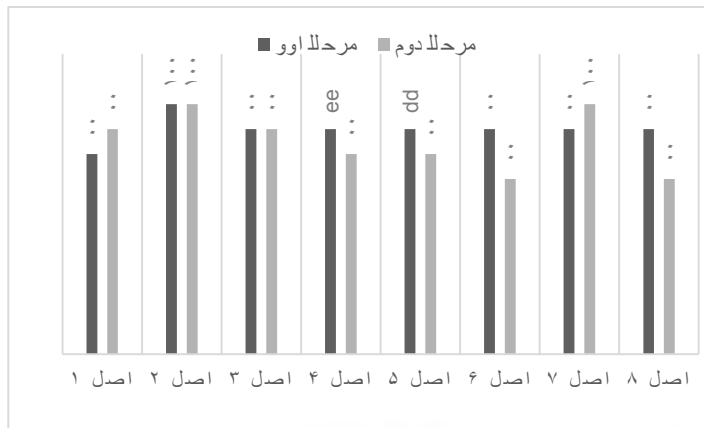
در این مقاله برای کشف معیارهای عمومی نهادسازی مالی در هندسه اقتصادی اسلام پس از استخراج برخی از اصول از طریق منابع کتابخانه‌ای و مشورت با تعدادی از نخبگان برای حصول اتفاق از تکنیک دلفی استفاده شده است و درنهایت اصول و ضوابطی هم‌چون رعایت اصول اخلاقی و شرعی، صیانت از سرمایه‌های معنوی و مادی، حفاظت از سلامت و استقلال اقتصادی جامعه اسلامی، کمک به تحقق توازن و تعادل اجتماعی، ایجاد زمینه افزایش رفاه اجتماعی، خلق ثروت به‌وسیله ارزش‌آفرینی، کسب درآمد قانونی و حمایت از بخش واقعی اقتصاد به منظور ایجاد و تشکیل نهاد مالی اسلامی مورد اتفاق گروهی از نخبگان قرار گرفت. از این رو ضروری است

اندیشه‌وران مهندسی مالی اسلامی در تدوین و تشکیل ساختار نهادهای مالی ابتدا انطباق نهاد مالی را با اندیشه اسلام کشف کرده و سپس برای تولید نسخه اسلامی ابزارها گام بردارند، چراکه کارایی ابزاری اسلامی در روند و فرایندی غیر اسلامی امکان پذیر نخواهد بود به بیانی دیگر به منظور اسلامی نمودن نظام مالی و ساخت اقتصادی در تراز اندیشه و حیانی لازم است ابزارها، بازارها و نهادهای مالی در قالب شریعت بازتعریف شوند.

یادداشت‌ها

1. Weber

۲. در روش دلفی که برای تبدیل دانش ضمنی به دانش مصرح است از پرسشنامه دو مرحله‌ای استفاده می‌شود، از این رو به منظور کشف ویژگی‌ها و شاخصه‌های نهاد مالی اسلامی به روش دلفی ۴۰ پرسشنامه از طریق رایانامه، پیام‌رسان و حضوری تحویل اساتید و پژوهشگران عرصه اقتصاد اسلامی گردید که در مرحله اول، ۲۰ نفر و در مرحله دوم، ۱۲ نفر از بزرگواران مشارکت نمودند. با توجه به حد پذیرش اتفاق ۷۰ درصدی برای اصول موردنظر برخی از معیارها مانند مصلحت داشتن و بیشتر بودن منافع نهاد مالی از مضرات آن، عدم خلق نقدینگی، سیالیت در اجرا و فرایندهای عملیاتی، اصل آزادی انتخاب قراردادها و ابزارها، توانایی ارتباط با بخش بین الملل و نظام حسابداری اسلامی مورد اتفاق نخبگانی قرار نگرفتند و قواعد ۸گانه مطرح شده در مقاله درجه اهمیت و نقش پررنگی را در تحقق نهاد مالی اسلامی کسب نمودند که در نمودار ذیل به درصد پذیرش آنها اشاره می‌شود. همچنین به زیر مجموعه‌های اصل سوم و هشتم با توجه به اتفاق نسبی -حدود ۶۰ درصدی- درباره اهمیت و نقش آنها در تحقق نهاد مالی منطبق با شریعت اشاره می‌شود.



3. <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8810>

4. <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3377>

۵. المدلول السلبي الذي يلغى كل كسب لا يبرره عمل مُنفق خلال العملية، فهو واضح في النصوص والأحكام (صدر، ۱۴۱۷ق، ص. ۵۹۱).

۶. كتب ابي الحسن الرضا... لا يحل مال إلا من وجه أحله الله... (حراعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۹، ص. ۵۳۸).

۷. تغییر قیمت کالاها در حقیقت به معنای تغییر ارزش کار ذخیره شده در آنها است و مالک کار ذخیره شده-کالاهای بادوام مانند ماشین، خانه و زمین- مالک تغییرات قیمتی نیز خواهد بود.

۸. (حراعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۹، {باب ۲۰-۲۳} صص. ۱۳۳-۱۲۴).

۹. عدم افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و عدم کاهش ارزش پول.

۱۰. بیع صوری به معامله‌ای گفته می‌شود که برحسب ظاهر بیع است، لیکن قصد جدی نسبت به آن از دو طرف معامله یا یکی از آنها وجود ندارد (فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص. ۱۸۷).

۱۱. الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا.

۱۲. «خبط» به معنای کج و معوج راه رفتن است، وقتی می‌گویند خبط البعیر معنایش این است که راه رفتن این شتر غیر طبیعی و نامنظم است.

۱۳. الْعَلَّةُ لِلْمُسْتَرِي أَلَا تَرَى أَنَّهُ لَوْ احْتَرَقَتْ لَكَانَتْ مِنْ مَالِهِ (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۸، ص ۱۹).

14. Marriner Stoddard Eccles (1890-1977)

15. David Ricardo (1772-1823)

کتابنامه

قرآن کریم.

احمدی‌ابهری، سیدمحمدعلی (۱۳۹۵). نقش مقاصد شریعت در تأثیر مقتضیات زمان بر سیاست کیفری اسلام. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

منسوب به امام علی بن موسی الرضا علیه‌السلام (۱۴۰۶ق). فقه الرضا. مشهد: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.

توانایان‌فرد، حسن (۱۳۶۱). فلسفه اقتصاد اسلام از نظر مرحوم علامه محمدحسین طباطبایی (چاپ اول). تهران: مؤسسه مطبوعاتی عطایی.

تولمی، محمدتقی؛ و حیدری‌خراسانی، محمدجواد (۱۳۹۸). بازخوانی نظریات شهید صدر پیرامون ربای بانکی براساس نظریه درآمد قانونی. فصلنامه پژوهش‌های فقهی، ۱۵(۶۰)، ۶۶۹-۶۸۹

حائری، سیدکاظم (۱۴۲۳ق). بررسی فقهی اوراق نقدی. مجله فقه اهل بیت علیهم‌السلام؛ ج ۲۰-۱۹ (نرم‌افزار جامع فقه اهل بیت ۲).

حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل‌الشیعه (چاپ اول)، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.

حکیمی، محمدرضا (۱۳۸۵). مبانی نظری اقتصاد اسلامی مال و حدود آن در تصور اسلامی، پژوهش‌های نهج‌البلاغه، شماره ۱۷ و ۱۸، ۷۶-۱۰۷.

جمیری، عبد‌الله بن جعفر (۱۴۱۳ق). قرب‌الاسناد. قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.

راغب‌اصفهانی (بی‌تا). مفردات غریب القرآن، نرم‌افزار المعجم ۳.

رایش، رابرت (۱۳۹۲). پس از شوک: آینده امریکا و اقتصاد آن. (محمد نقی‌زاده و ریحانه فردانش، مترجمان). تهران: شرکت سهامی انتشار.

زمان‌زاده، حمید؛ و الحسینی، محمد صادق (۱۳۹۱). اقتصاد ایران در تنگنای توسعه، تهران: نشر مرکز.

اصول و ضوابط حاکم بر نهاد مالی اسلامی / سیدصادق طباطبائی نژاد و دیگران **تفہیم القرآن** ۲۶۵

- دائرة المعارف قرآن کریم (۱۳۸۲). مرکز فرهنگ و معارف قرآن (چاپ ۳). قم: بوستان کتاب.
- دادگر، یدالله (۱۳۸۳). تاریخ تحولات اندیشه اقتصادی. قم: دانشگاه مفید.
- داودی، پرویز؛ و صمصامی، حسین (۱۳۸۹). اقتصاد پول و بانکداری (چاپ ۲). تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- سرآبادانی، غلامرضا (۱۳۹۳). ریسک، مفهوم و کاربردهای آن در اسلامی. مجله اقتصادی، ۱۴ (۹ و ۱۰)، ۵-۱۴.
- شعرانی، ابوالحسن (۱۳۸۶). پژوهش‌های قرآنی علامه شعرانی در تفاسیر مجمع البیان، روح الجنان و منهج الصادقین (چاپ ۲). قم: بوستان کتاب.
- صادقی‌شاهدانی، مهدی؛ و محسنی، حسین (۱۳۹۲). بایسته‌های نظام مالی اسلامی در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت. دوفصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی، ۵ (۱۰)، ۷-۳۸. doi: 10.30497/ies.2013.1451
- صالحی، مرتضی؛ و توکلی، محمدجواد (۱۳۹۴). تحلیل سیستمی نظام بانکی اسلامی، ماهنامه معرفت، ۲۴ (۲۱۸)، ۹۵-۱۱۰.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۰۱ق). البنك اللاربوی (چاپ هفتم). بیروت: دار التعارف.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۰۰ق). اقتصادنا. بیروت: دار التعارف.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۱۷ق). اقتصادنا (چاپ اول). قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۲۵ق). الاسلام یقود الحیاه (چاپ سوم). بیروت: مجمع الثقلین العلمی.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۲۰ق). قاعده لاضرر و لاضرار (چاپ اول). قم: دار الصادقین للطباعة و النشر.
- صدر، سیدموسی (۱۳۸۶). رهیافت‌های اقتصادی اسلام (به کوشش مهدی فرخیان). تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۰۶ق). ثواب الأعمال و عقاب الأعمال (چاپ دوم). قم: دار الشریف الرضی للنشر.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰). المیزان فی تفسیر القرآن (چاپ دوم). بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طباطبایی‌یزدی، سیدمحمدکاظم (۱۴۰۹ق). العروۃ الوثقی (چاپ دوم). بیروت: مؤسسه الأعلمی

للمطبوعات.

- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (چاپ سوم). تهران: ناصر خسرو.
- عزتی، مرتضی (۱۳۸۳). تحلیل امکان استفاده از مصادیق عینی و تجربی برای پژوهش در زمینه نظام اقتصادی اسلام. فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران، ۵(۱۸)، ۸۹-۱۱۰.
- عیوضلو، حسین؛ و کریمی ریزی، مجید (۱۳۹۷). اصول موضوعه و راهبردهای بانکداری اسلامی در چارچوب نظام اقتصادی اسلام. فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۱۸(۷۱)، ۵-۳۵.
- غفاری، هادی (۱۳۹۲). مشروعیت ریسک مالی از دیدگاه آموزه های اسلامی، دوفصلنامه پژوهش های مالی اسلامی، ۱(۲)، ۶۹-۸۲.
- فراهانی فرد، سعید (۱۳۸۸). صکوک سلف؛ ابزاری مناسب برای تأمین مالی و پوشش ریسک. فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۹(۳۳)، ۷-۳۲.
- کرمی، محمدمهدی؛ و پورمند، محمد (نبی زاده) (۱۳۹۱). مبانی فقهی اقتصاد اسلامی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت).
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). اصول الکافی (چاپ چهارم). تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- محامد، علی (۱۳۸۵). بررسی قاعده عدل و انصاف و آثار آن. فصلنامه پژوهش های فلسفی - کلامی، ۸(۷۰)، ۲۳۵-۲۷۰. doi: 10.22091/pfk.2006.273
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مراغی، احمد مصطفی (بی تا). تفسیر المراغی (چاپ اول). بیروت: دار الفکر.
- موسویان، سیدعباس؛ و میرمعزی، سیدحسین (۱۳۷۷). ترسیم نظام اقتصادی اسلام براساس مکتب اقتصادی آن از دیدگاه امام خمینی (ره). فصلنامه نامه مفید، ۴(۱۴)، ۱۸۵-۲۱۸.
- موسویان، سیدعباس؛ و توحیدی، محمد (۱۳۹۹). طراحی بازار سرمایه اسلامی در چهارچوب نظام اقتصادی اسلام (ماهیت، عناصر، روش کشف و طراحی). دوفصلنامه تحقیقات مالی اسلامی. مقاله آماده انتشار. doi: 10.30497/ifr.2020.75437
- موسویان، سیدعباس؛ و علیزاده اصل، محمد (۱۳۹۴). بررسی رابطه ریسک و غرر در بازارهای مالی اسلامی، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۱۵(۵۹)، ۶۵-۹۴.
- موسویان، سیدعباس؛ و خوانساری، رسول (۱۳۹۵). اجتهاد چندمرحله ای روش پژوهش

اصول و ضوابط حاکم بر نهاد مالی اسلامی / سیدصادق طباطبائی نژاد و دیگران **تحقیقات اسلامی** ۲۶۷

- استنباط مسائل فقه اقتصادی. فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۱۶(۶۳)، ۵-۳۷.
- نجم‌زاده، رضا (۱۳۸۷). شکل‌گیری نظام‌های اقتصادی بر مبنای اخلاق اسلامی و اخلاق سرمایه‌داری، دوفصلنامه جستارهای اقتصادی، ۵(۱۰)، ۷-۳۷.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام (چاپ هفتم). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- یوسفی، احمدعلی (۱۳۸۷). اهداف اقتصادی حکومت اسلامی. فصلنامه حکومت اسلامی، ۱۳(۵۲)، ۳۱-۶۶.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۷۶). قاعده ربح ما لم یضمن، دوفصلنامه المنهاج، ۳(۶)، ۷-۴۴.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۴۲۶ق). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام (چاپ اول). قم: موسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
- Fisher, D (1978). *Monetary Theory and the Demand for Money*, Oxford: Martin Robertson.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی